

نگاهی تطبیقی به اصول و سیاست‌گذاری‌های واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی و اینفوترم: بررسی موردی چهل واژه

اکرم دهقان‌زاده*^۱، محمدرضا احمدخانی^۲، مریم‌سادات غیاثیان^۳، مهدی سمایی^۴

۱. دانش‌آموخته دکتری زبان‌شناسی، مدرس مدعو دانشگاه پیام‌نور

۲. دانشیار زبان‌شناسی، دانشگاه پیام‌نور

۳. دانشیار زبان‌شناسی، دانشگاه پیام‌نور

۴. دانشیار زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران

پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۱۶

دریافت: ۱۳۹۷/۰۸/۲۰

Comparative Study of Principles and Policies of the Academy of Persian Language and Literature and Infoterm: A Case Study of Forty Terms

Akram Dehghanzade*¹, MohammadReza Ahmadvani², Maryamsadat Ghiasian³, Mahdi Samai⁴

1. PhD in Linguistics, Adjunct lecturer Payame Noor University

2. Associate Professor of Linguistics, Payame Noor University

3. Associate Professor of Linguistics, Payame Noor University

4. Associate Professor of Linguistics, IranDoc

Received: 2018/11/11

Accepted: 2019/05/06

Abstract

The uniformity of specialized terms of science and the clarity of scientific concepts to establish a common language among disciplines are essential in the domain of language planning. In this comparative research, the principles and policies of the Academy of Persian Language and literature (from 1989 to now) and the Infoterm were studied. To get an understanding of how these principles and policies work in coining words in the Academy of Persian Language and literature, the scientific terms approved by the Academy of Persian Language and Literature were examined. This study is a type of theoretical research. The research method was content analysis and the data consisted of 40 scientific terms approved, published in its first to thirteenth booklet (1997-2016). The finding showed that the principles and coining of the Academy of Persian Language and Literature are in line with the principles and policies of the Infoterm. However, the synonyms and multiplicity of terminology and the conceptual plurality in various fields of science coined by the Academy of Persian Language and Literature causes confusion among experts in the scientific fields which is suggested to be at the Academy of Persian Language and literature's agenda.

Keywords: Language of science, Language planning, Coining, Academy of Persian Language and Literature, Infoterm.

چکیده

یکدستی اصطلاحات تخصصی علوم و روشن بودن مفاهیم علمی برای ایجاد زبان مشترک میان رشته‌ها امری ضروری در حوزه برنامه‌ریزی زبانی است. در این پژوهش، به بررسی تطبیقی اصول و سیاست‌گذاری‌های واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی، از سال ۱۳۶۸ تا کنون، و اینفوترم پرداخته‌ایم و به‌منظور دستیابی به چگونگی کارکرد این اصول و سیاست‌گذاری‌ها در امر واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی، واژه‌های علمی مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی را مورد بررسی قرار داده‌ایم. این مقاله، از نظرهدف از نوع پژوهش‌های نظری است. روش تحقیق این پژوهش، به‌صورت تحلیل محتوا بوده و داده‌های پژوهش، ۴۰ واژه علمی مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی از دفتر اول تا سیزدهم (۱۳۶۸-۱۳۷۶) را دربرمی‌گیرد. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که اصول و ضوابط واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی با اصول و سیاست‌گذاری‌های اینفوترم همگام است، اما ترادف و چندگانگی واژگانی و مفهومی در حوزه‌های مختلف علوم در واژه‌های علمی مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی دیده می‌شود که این امر موجب نابسامانی و سردرگمی متخصصان و کارشناسان رشته‌های علمی می‌شود و بهتر است در دستور کار فرهنگستان زبان و ادب فارسی قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: زبان علم، برنامه‌ریزی زبان، واژه‌گزینی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، اینفوترم.

*Corresponding Author: Akram Dehghanzade

E-mail: atena_dehghan68@yahoo.com

* نویسنده مسئول: اکرم دهقان‌زاده

مقدمه

زبان ایستا نیست. شواهد متعددی وجود دارد که شخص را به این نتیجه می‌رساند که یک زبان تغییر کرده است. طبیعت این شواهد ممکن است: الف) نگارشی، ب) ادبی، ج) تجویدی (درست‌گویی) و د) تطبیقی مقایسه‌ای باشد (گویوتر، ۱۹۷۵: ۳). پیشرفت فناوری در جهان، علت اصلی ورود واژه‌های بیگانه و تحول زبان است. ورود بی‌رویه واژه‌ها و اصطلاحات بیگانه می‌تواند در بلندمدت مانع رشد و شکوفایی یک زبان و بی‌هویتی آن شود.

در هر کشوری که علم و فن به زبان ملی آن کشور تعلیم داده شود یا ترویج شود، یاد دادن و یاد گرفتن علم آسان‌تر می‌شود و توده مردم با علم و فن ارتباط بیشتری پیدا می‌کنند و این خود یکی از اسباب مهم توسعه و ترویج علم است. واژه‌گزینی و معیارسازی اصطلاحات و واژگان در حوزه‌های مختلف علمی و تخصصی امری ضروری در حوزه برنامه‌ریزی زبانی است تا بتوان از این زبان در برابر سیل بنیان‌کن واژه‌های بیگانه، پاسداری نمود.

سطح نسبی توسعه یک کشور را می‌توان از طریق میانگین توانایی مردم آن کشور در به‌کاربردن اطلاعات برای انتقال دانش و ایجاد توانایی‌های جدید برآورد کرد. چون داده‌های اصطلاحی هسته اصلی بازنمایی دانش و اطلاعات تخصصی هستند، فراهم بودن امکان دسترسی به این داده‌ها از عوامل بسیار مهم اجتماعی-اقتصادی تلقی می‌گردد (اینفوترم، ۲۰۰۵: ۳). فرهنگستان زبان و ادب فارسی، در دوم مردادماه ۱۳۶۹ خورشیدی بنیان نهاده شد. فعالیت اصلی این فرهنگستان، انتخاب واژه‌های علمی و تخصصی است. در این پژوهش برآنیم به بررسی واژه‌های مصوب فرهنگستان سوم، به منظور دستیابی به رویکردها و سیاستگذاری‌های این نهاد در امر واژه‌گزینی بپردازیم. روش تحقیق این مقاله به صورت تحلیل محتوا است. داده‌های پژوهش شامل ۴۰ واژه مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی از دفتر اول تا سیزدهم (۱۳۹۵-۱۳۷۶) است. اهدافی که در این پژوهش دنبال می‌شوند عبارتند از: (۱) دستیابی به مبانی نظری و چارچوب علمی واژه‌گزینی و واژه‌سازی فرهنگستان زبان و ادب فارسی؛ (۲) مقایسه معیارهای واژه‌گزینی اینفوترم با فرهنگستان زبان و ادب فارسی در امر واژه‌گزینی.

پیشینه پژوهش

در زمینه مطالعه معیارسازی و واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی بر اساس اینفوترم، تاکنون پژوهش مستقلی صورت نگرفته است؛ اما چند عنوان موضوع مشابه با این تحقیق وجود دارد که به بررسی اجمالی آن‌ها خواهیم پرداخت. سمائی (۱۳۸۹) در تحقیقی با عنوان «سرواژه‌سازی در زبان فارسی و سرواژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی» به بررسی انواع ساخت سرواژه پرداخته است. بر اساس یافته‌های این تحقیق در دفاتر اول تا هفتم فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان، ۴۵۰ سرواژه انگلیسی وجود دارد که برای ۳۸ سرواژه معادل فارسی ساخته شده است که به چهار روش انجام گرفته است: ۱- انتخاب حرف اول کلمات؛ ۲- انتخاب سرواژه برخی کلمات؛ ۳- انتخاب بخشی از کلمات؛ ۴- آغازسازی. از روش‌های سرواژه‌سازی، روش آغازسازی کمتر استفاده شده چراکه تنها دو مورد با این روش ساخته شده است و گرایش فارسی‌زبانان به ساختن سرواژه‌هایی است که به کلمات بالفعل یا بالقوه فارسی شبیه‌اند.

مجد (۱۳۸۷)، در تحقیقی با عنوان «نقد چهل لغت ترجمه‌شده فرهنگستان زبان و ادب فارسی» به این نتیجه کلی رسیده است که واژه‌های ساخته‌شده در فرهنگستان، به‌رغم اصولی که برای خود برشمرده‌اند، معایبی دارند که اهم آن عبارتند از: نامفهوم بودن ترجمه، افراط در استفاده از ترجمه تحت‌اللفظی، حذف‌های بی‌دلیل، رعایت نکردن دستور زبان فارسی، رعایت نکردن ذوق در لغت‌سازی و ترجمه لغاتی که نیاز به ترجمه ندارد. به عقیده وی، رفع این عیوب نیازمند روی آوردن به مبانی متداول‌تر و مستحکم‌تری است.

مهاجری‌زاده (۱۳۸۸)، در تحقیقی با عنوان «نقد واژه‌های مصوب فرهنگستان (دفتر پنجم)»، به نقد دفتر پنجم واژه‌نامه فرهنگستان پرداخته است. این نقد به صورت ادبیاتی است و هر واژه‌ای که نقد شده است توضیحات انتقادی دارد و نیز واژه پیشنهادی در مقابل آن ذکر گردیده است.

کشاورز (۱۳۸۸)، در تحقیقی با عنوان «بررسی میزان کاربرد واژه‌های سیاسی مصوب فرهنگستان زبان در بخش سیاسی مطبوعات» شرح داده است که میزان کاربرد واژه‌های سیاسی مصوب فرهنگستان زبان در بخش سیاسی مطبوعات، نسبتاً محدود است. به‌گونه‌ای که از مجموع ۱۹۶ واژه مصوب تنها ۴۴ مورد در جامعه آماری این پژوهش به‌کار رفته است و تأثیر متغیرهای ژانر، بافت، جنسیت و نوع نشریه بر میزان کاربرد واژه‌های مصوب یا وام‌واژه‌ها به لحاظ آماری معنادار نیست.

درخشان (۱۳۹۲)، در تحقیقی با عنوان «بررسی و ارزیابی فعالیت‌های واژه‌گزینی فرهنگستان سوم زبان و ادب فارسی از نظر بخشی از دانشگاهیان دانشگاه شیراز» اظهار داشته است که میل و رغبت به سمت واژه‌های بیگانه در اکثر موارد، بیشتر از واژه‌های پیشنهادی فرهنگستان است و واژه‌های فرهنگستان مورد استقبال کمتری قرار گرفته‌اند.

شرفی (۱۳۹۵)، در تحقیقی با عنوان «بررسی میزان کاربرد اصطلاح‌های تخصصی حوزه روان‌شناسی مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی در متون نوشتاری»، در پنج دفتر نخست فرهنگستان، شرح داده است که اصطلاح‌های معادل‌یابی شده در پنج دفتر نخست، در پایان‌نامه‌ها و فرهنگ توصیفی APA بیشترین میزان حضور را داشتند. در پنج دفتر نخست فرهنگستان «برگزینش» پرکاربردترین روش واژه‌گزینی است و اینکه اصطلاح‌هایی که معادل «نوساخته» برای آن‌ها تصویب شده است به‌ندرت در منابع مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

در این پژوهش، مبانی نظری و چارچوب علمی واژه‌گزینی و واژه‌سازی فرهنگستان زبان و ادب فارسی در چارچوب اینفوترم مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است که در هیچ یک از پژوهش‌های پیشین مطرح نشده است.

مبانی نظری

زبان علم

در مصوبه جلسه سیصدوسی و یکم تاریخ ۸۶/۹/۲۶ شورای فرهنگستان زبان و ادب فارسی، زبان علم گونه‌ای کاربردی از زبان است که خود دارای گونه‌های مختلفی برای رشته‌های مختلف علمی است. طبق این مصوبه، نقش اصلی زبان علم برقراری ارتباط میان اهل علم و بیان مطالب علمی در گفتار و نوشتار است که در عین تعامل با گونه‌های زبانی دیگر و بهره‌گیری از واژگان و فرایندهای واژه‌سازی آن‌ها از واژگان و روش‌های خاص واژه‌گزینی خود نیز برخوردار است. از همان آغاز ورود علم جدید به ایران، زبان فارسی به‌عنوان زبان علم برگزیده شد و این یکی از امتیازات ما ایرانیان است که زبان ملی و زبان علمی‌مان یکی است (گروه واژه‌گزینی، ۱۳۸۸: ۲۶-۱۰).

کارول^۱ (۲۰۰۱: ۳۹) بیان کرده است که «اهداف بسیار گسترده‌تر را هم می‌توان تا حدی از طریق سیاست زبانی برآورده کرد. در دوره میجی، اصلاح زبانی بخشی از استراتژی

تاجیک (۱۳۸۸)، در تحقیقی با عنوان «بررسی فراوانی واژه‌های مصوب فرهنگستان در حوزه زیست‌شناسی دوره پیش‌دانشگاهی» نتایج را این‌گونه بیان کرده است که مؤلفین کتاب‌های درسی با تعداد زیادی از معادل‌های مصوب آشنایی ندارند، بعضی واژه‌های مصوب به کتاب‌های زیست‌شناسی وارد نشده‌اند و مؤلفین با وجود واژه‌های مصوب از واژه‌های قرضی استفاده می‌کنند. کاربرد واژه‌های مصوب در کتاب درسی بیشتر از واژه‌هایی است که مؤلفین خود به ترجمه آن واژه‌ها پرداخته‌اند و میزان کاربرد این واژه‌های سلیقه‌ای بسیار کم است.

باقراله‌اشمی (۱۳۹۰)، در تحقیقی با عنوان «بررسی معناشناختی واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی در حوزه حمل‌ونقل درون‌شهری از دیدگاه فلبر»، به طبقه‌بندی ۲۲۴ اصطلاح در حوزه حمل و نقل درون‌شهری و جاده‌ای از دفترهای پنجم، ششم و هفتم پرداخته است. ویژگی‌های مورد نظر فلبر شامل ویژگی‌های درونی (شکل، جنس، اندازه، رنگ)، ویژگی‌های کاری (کاربرد، کارکرد، عملکرد، جایگاه، وضعیت در یک جایگاه) و ویژگی‌های خاستگاهی (روش تولید، شیوه عمل و کار، مخترع، عامل تولیدکننده، کشور خاستگاهی) است. او اظهار داشته است که ویژگی‌های مطرح‌شده توسط فلبر قادر به طبقه‌بندی تمامی واژه‌ها نیست و نیاز به افزودن ویژگی‌هایی دیگر به این مجموعه احساس می‌شود.

بر اساس یافته‌های تحقیق جمالی (۱۳۹۰)، با عنوان «بررسی میزان مقبولیت واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی در حوزه علوم پزشکی»، واژه‌های مصوب قدیمی نسبت به واژه‌های جدیدتر بیشترین میزان مقبولیت را دارند. همچنین بر اساس نوع ساختار واژه‌های مشتق بیشترین میزان مقبولیت را داشته‌اند. بین پزشکان عمومی متخصص نیز تفاوت چندانی در مورد میزان کاربرد واژه‌ها وجود ندارد و اینکه با بالا رفتن میزان آشنایی، میزان موافقت با واژه‌ها نیز بالا می‌رود.

اتقیایی (۱۳۹۰)، در تحقیقی با عنوان «ضریب نفوذ واژه‌های عمومی فرهنگستان در روزنامه‌های رسمی و وبلاگ‌های شخصی: رویکردی پیکره‌ای-محاسباتی»، اظهار داشته است که ضریب نفوذ واژه‌های عمومی مصوب فرهنگستان در روزنامه همشهری بالاتر از وبلاگ‌های شخصی است و وبلاگ‌های تخصصی از واژه‌های عمومی مصوب بیشتر استفاده کرده‌اند.

کلی تأکید بر اقتدار کشور و به پای غرب رسیدن و پیشی گرفتن از آن بود؛ جامعه مدرن و کارآمد نیازمند زبان مدرن و کارآمد نیز بود.»

کلمس^۱ (۱۹۸۹: ۲۰) معتقد است اصلاح و نوسازی واژگان تخصصی برای برآورده کردن نیازهای ارتباطی ضرورت دارد. گالینسکی (۱۹۹۹: ۸۰۰) بر این باور است که «به نظر می‌رسد که ارتباط پیچیده‌ای میان امکان استفاده از زبان مادری و توسعه اقتصادی مثبت در آن جامعه زبانی وجود دارد. مردمی که زبان مادری آنها تخصصی نیست یا آن طور که باید تخصصی نشده است یا مردمی که از به‌کاربردن زبان مادری و آموزش و تحصیل، کار روزمره یا دستیابی به اطلاعات منع و مایوس شده‌اند، معمولاً مردمی محروم‌اند یا احساس محرومیت می‌کنند.»

برنامه‌ریزی زبان

واژه‌گزینی را از یک طرف می‌توان یکی از فعالیت‌های اصطلاح‌شناسی دانست و به این ترتیب آن را یکی از زیرشاخه‌های علم اصطلاح‌شناسی به شمار آورد. با توجه به اینکه علم اصطلاح‌شناسی در جهت سروسامان بخشیدن به مسائل اصطلاحات طراحی شده است آن را می‌توان زاده برنامه‌ریزی زبان^۲ دانست (داوری اردکانی، ۱۳۸۲: ۳۴). از دیدگاه کوپر (۱۹۸۹: ۴۵) برنامه‌ریزی زبان اشاره به تلاش‌های عامدانه برای تأثیرگذاری در رفتار با یادگیری، ساختار و یا نقش رمزگان‌هایشان دارد.

بر اساس اینفوترم (۲۰۰۵: ۵) برنامه‌ریزی زبان و برنامه‌ریزی اصطلاحات که در واقع امروزه فعالیت‌های مکمل یکدیگرند، با هم مقایسه می‌شوند. هر دو این فعالیت‌ها تحت تأثیر عواملی قرار دادند از جمله: بافت سیاسی و تکوین تاریخی کاربرد زبان، وضعیت اجتماعی-اقتصادی، ابعاد جغرافیایی-زبانی و عوامل جمعیت‌شناختی، فرهنگی و سهم‌بران اجتماعی (از جمله مؤسسات) و روابط آن‌ها با یکدیگر.

برنامه‌ریزی زبان فعالیتی است برای توسعه زبان، مرکب از شیوه‌ها و رویکردهایی از قبیل اصطلاح‌شناسی و واژگان‌نگاری، مدیریت اصطلاحات، ترجمه و مدیریت ترجمه و رویکردهای رو به گسترش پیکره‌بنیاد (مانند استخراج اصطلاح، تحلیل پیکره برای شناسایی نوواژه‌ها در گفتمان‌های مختلف). نکته در اینجا است که استفاده از فناوری‌های زبانی در برنامه‌ریزی زبان همچون سایر

حوزه‌های مرتبط با زبان در حال افزایش است (همان: ۳۴). بر اساس کتاب گروه واژه‌گزینی (۱۳۸۸: ۲۷-۲۶) جامعه‌شناسان زبان، برنامه‌ریزی زبان را شامل مراحل زیر می‌دانند:

- ۱- انتخاب یک زبان در مقام زبان ملی؛
- ۲- انتخاب یک لهجه از آن زبان به منزله لهجه معیار؛
- ۳- انتخاب خط؛
- ۴- انتخاب و ساختن اصطلاحات موردنیاز نظام دیوان‌سالاری، مانند اصطلاحات اداری و نظامی و حقوقی؛
- ۵- انتخاب و ساختن و یکسان کردن اصطلاحاتی که در عرصه علوم و فنون موردنیاز است.

زبان فارسی مراحل اول و دوم و سوم را طی کرده است و در مرحله چهارم نیز با مشکل روبه‌رو نیست؛ اما در مرحله پنجم کم‌وبیش با دشواری‌هایی روبه‌روست، هرچند گام‌های بلندی نیز برداشته است.

بنا بر اینفوترم (۲۰۰۵: ۵) برنامه‌ریزی پیکره شامل فعالیت‌هایی مانند ابداع یا اصلاح رسم‌الخط (و از جمله معیارسازی املا)، انتخاب خط، تعیین تلفظ واژه‌ها، گسترش اصطلاحات و واژگان، تغییر در نظام دستوری، همترازسازی گویش‌ها، انتشار کتاب و راهنما برای ارتقاء سوادآموزی، گسترش فرهنگ‌نویسی، دستورنویسی و واژه‌نامه‌های ساده‌شده برای زبان‌های تخصصی، خلق ادبیات ناب و حمایت از هنرهای خلاق و همچنین تأسیس مؤسساتی برای پرداختن به مسائل زبانی است. باید توجه داشت که برنامه‌ریزی زبان شامل برنامه‌ریزی جایگاه زبان هم می‌شود؛ یعنی، ارتقاء یک‌زبان برای استفاده در حوزه‌های مختلف جامعه (تجارت، آموزش، حقوق، اداره، رسانه‌ها و غیره).

اصطلاح و اصطلاح‌شناسی

اصطلاح‌شناسی نظامی چندگانه است و برای مطالعه مفاهیم و نمایش آن در یک زبان تخصصی نیاز به رشته‌های مختلفی است مانند منطق، معرفت‌شناسی، فلسفه علم، زبان‌شناسی، اطلاع‌رسانی و علوم شناختی. در اصطلاح‌شناسی، عناصر رویکردهای نظری متعددی با یکدیگر ترکیب می‌شوند که با توصیف، نظم‌بخشی و انتقال دانش سروکار دارند (ایزو^۳، ۲۰۰۴: ۱۳۸۲: ۱).

اصطلاح‌شناسی علم «میان‌رشته‌ای»، «ترارشته‌ای»^۴ و یا

3. Iso CD 704.1
4. transdiscipline

1. F. Coulmas
2. Language planning

مفاهیم می‌پردازد؛

- ۲- در مفاهیم دقیق هستند و هر یک می‌توانند در نظام مفاهیم جایگاهی داشته باشند؛
- ۳- مفاهیم باید دارای تعریفی سنتی باشند؛
- ۴- هر اصطلاح، نام دائمی یک مفهوم است؛
- ۵- اصطلاحات و مفاهیم به‌طور هم‌زمانی مورد مطالعه قرار می‌گیرند.

کریستین گالینسکی^۴ (۱۹۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «اصطلاح‌شناسی: حرکتی به‌سوی دقت و صراحت»، کاربردهای اصطلاح‌شناسی را به‌صورت زیر بیان می‌کند: ۱. بازبایی اطلاعات؛ ۲. مدیریت اطلاعات؛ ۳. نگارش علمی و فنی؛ ۴. سندداری فنی؛ ۵. ترجمه تخصصی؛ ۶. تدریس و آموزش در حوزه‌های تخصصی؛ ۷. یادگیری زبان خارجی تخصصی؛ ۸. انتقال دانش و فناوری (گالینسکی، ۱۳۷۷: ۱-۲).

ترادف یا هم‌معنایی

ترادف^۵ یا هم‌معنایی، در کتاب‌های دستوری به دو لفظی گفته می‌شوند که از لحاظ لفظ مختلف ولی از لحاظ معنی یکسان باشند. بنا به تعریف ایزو سی دی ۷۰۴ (۱۳۸۲: ۴۰)، هم‌معنایی رابطه میان الفاظ متفاوتی است که در زبان مورد نظر برای یک مفهوم واحد به کار می‌روند. الفاظ در این رابطه هم‌معنا نامیده می‌شوند. هم‌معناها با یکدیگر مترادف هستند. اگر دو یا چند اصطلاح به مفاهیمی اختصاص یابند که گستره معنایی آن‌ها تقریباً یکی باشد، شبه‌مترادف^۶ نامیده می‌شوند و فقط در بعضی بافت‌ها می‌توانند به‌جای هم به کار روند. بر اساس ایزو ۱۰۸۷ (۱۳۷۶: ۹) هم‌معنایی (واژه منسوخ ترادف) رابطه میان بازنمودهایی در یک زبان است که تنها یک مفهوم را نمایش می‌دهند؛ واژه‌هایی که در تمام بافت‌های یک حوزه قابل جایگزین هستند هم‌معنا نامیده می‌شوند؛ اگر تنها در برخی از بافت‌ها قابل جایگزینی باشند شبه‌هم‌معنا نامیده می‌شوند. به اعتقاد لاینز^۷ (۱۹۹۵: ۴۴۶) دو واژه در صورتی هم‌معنی هستند که دارای یک مفهوم باشند. لاینز (همان) معتقد است که شیوه عملکرد فرهنگ‌های لغات مترادف، توصیف دیگری از هم‌معنایی ارائه می‌دهد. در این فرهنگ‌ها مجموعه‌ای از واژه‌ها و اصطلاحاتی که زیر یک مدخل واقع می‌شوند، هر یک با بخشی از معنی مدخلشان

«چندرشته‌ای»^۱ نوپایی است که از آن به‌عنوان تازه‌ترین حوزه علمی نیز یاد می‌کنند. «میان‌رشته‌ای» به این عنوان که اصطلاح‌شناسی، پیوندگاه تمامی علوم است؛ «ترارشته‌ای» به این معنا که پلی است میان علوم مختلف و رابط و واسطه‌ای است میان علوم و نه تنها علوم، بلکه میان مکاتب، فلسفه‌ها و هنرها و فنون؛ «چندرشته‌ای» به این مضمون که در این حوزه علمی نوظهور بسیاری از علوم دخیل‌اند، از قبیل زبان‌شناسی، فلسفه علم، اطلاع‌رسانی و ارتباطات؛ و از آنجایی که اطلاع‌رسانی و ارتباطات خود نیز یک چندرشته‌ای نسبتاً بزرگ است که از بوم‌شناسی، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی از یک سو و سیبرنتیک، مخابرات، الکترونیک و علوم رایانه‌ای از سوی دیگر، تشکیل می‌شود، پس می‌توان اصطلاح‌شناسی را به‌حق یک چندرشته‌ای بزرگ‌تر دانست.

اصطلاحات پایه‌ای هستند برای: (الف) نظم‌بخشی دانش بر مبنای روابط مفاهیم (نظریه کلی علم، رده‌بندی مفهومی برای هر رشته علمی)؛ (ب) انتقال دانش، مهارت‌ها و فن‌آوری (تربیت، آموزش، خواندن متون علمی - فنی)؛ (پ) تدوین و اشاعه اطلاعات علمی - فنی (نگارش، ویرایش، انتشار منابع علمی - فنی)؛ (ج) ترجمه متون علمی و فنی به زبان‌های مختلف دنیا؛ (د) چکیده و خلاصه‌نویسی اطلاعات متون تخصصی؛ (ه) ذخیره و بازبایی اطلاعات علمی - فنی (زبان‌های نمایه‌سازی، اصطلاح‌نامه‌ها، شیوه‌های رده‌بندی) (فلبر، ۱۹۸۴: ۱-۳).

حسینی بهشتی (۱۳۸۲: ۳۳) معتقد است که در اصطلاح‌شناسی برای ارائه و بیان اشیاء و مفاهیم از نمادهای کلامی و غیر کلامی استفاده می‌شود. بدین منظور نیاز به شناخت مباحثی از قبیل واژه‌شناسی^۲، معنی‌شناسی، واژگان‌نگاری^۳، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی زبان ضروری است تا در تدوین متون تخصصی و ترجمه شفاهی و کتبی و نیز شکل‌گیری بانک‌های اطلاعات واژگانی و برنامه‌ریزی زبان و اصطلاح‌شناسی نیز به‌کار گرفته شوند.

سه مکتب اصطلاح‌شناسی وین، پراگ و شوروی وجود دارد که به لحاظ اهمیت مکتب وین، اصول آن را آورده‌ایم. اصطلاح‌شناسی مکتب وین مبنی بر پنج اصل زیر است:

۱- اصطلاح‌شناسی پیش از پرداختن به اصطلاحات، به

4. Christian Galinski
5. synonym
6. quasi-synonym
7. Lyons.J.

1. Multidiscipline
2. lexicology
3. lexicography

هم‌معنی‌اند. به گفته لاینز، واژه‌های هم‌معنی به لحاظ معانی عاطفی و شناختی با هم تفاوت دارند؛ همچنین به لحاظ نظری، هم‌معنایی مطلق با توجه به معانی عاطفی و شناختی توصیف می‌گردد. در قالب این اصطلاحات، هم‌معنایی مطلق زمانی روی می‌دهد که معنی عاطفی و معنی شناختی دو واژه دقیقاً مشابه باشند. لاینز منشأ وجود معانی عاطفی و شناختی را آمیختگی عقل و احساس در کاربرد و تولید زبان می‌داند. پالم (۱۳۷۶: ۱۰۷) معتقد است که هم‌معنایی واقعی در میان واژه‌ها وجود ندارد و هیچ دو واژه‌ای دقیقاً دارای یک معنی نیستند. کروزر^۱ (۲۰۰۴: ۱۵۴) هم‌معنایی دو واحد زبانی را میزان بیشتر شباهت‌های معنایی آن‌ها نسبت به تفاوت‌های معنایی‌شان می‌داند.

واژه‌گزینی و ارتباط بین دانش‌ها

طی چند دهه اخیر، علم‌ورزی وارد شرایط تازه‌ای شده است که بدون گسترش میان رشته‌ها امکان ادامه حیات مؤثر اجتماع علمی غیرممکن به نظر می‌رسد. تعامل، تبادل و ارتباط افقی دانش‌ها، مهارت‌ها و رشته‌های علمی مختلف با یکدیگر موجب آسانی درک و فهم موضوعات از جنبه‌ها و ابعاد مختلف می‌شود. دستیابی به زبان مشترک و برقراری گفت‌وگو میان دو رشته از مهم‌ترین دستاوردهای چنین ارتباطی است.

ریکو^۲ (۱۳۹۴: ۵۸) معتقد است که میان رشته‌پژوهان این‌گونه بحث می‌کنند که بررسی بسیاری از مسائل علمی پیچیده‌ای که پیش روی جامعه هستند فقط از طریق بررسی دیدگاه‌های چند رشته مختلف و سپس تلفیق دیدگاه‌های این رشته‌ها برای به دست آوردن یک فهم جامع‌تر از آن‌ها امکان‌پذیر است.

رویگرد بین رشته‌ای بر این استوار است که انسان‌ها برای شناخت و درک پدیده‌ها به چیزی بیش از یک رشته نیازمندند. مبتنی بر این رویکرد شناخت و فهم هر پدیده و مفهوم، به دلیل پیوستگی با شرایط و زمینه‌های متنوع محیطی، فرهنگی و اجتماعی و درهم‌تنیدگی با دیگر مفاهیم و پدیده‌ها نیازمند همکاری و مستلزم رها شدن از چارچوب‌های نظری و روشی یک دانش است. مطالعات میان رشته‌ای امروزه به‌عنوان یکی از حوزه‌های مطالعاتی مهم به شمار می‌رود. برای این منظور، در حوزه مطالعات میان رشته‌ای همگرایی بین رشته‌های تخصصی دارای

اهمیت ویژه‌ای است، به طوری که عدم موفقیت در همگرایی بین رشته‌های تخصصی باعث شکست این حوزه مطالعاتی خواهد شد.

میان رشته‌ای به روشی اطلاق می‌گردد که دسته‌ای از متخصصان یک رشته به صورت گروهی برای حل مسئله‌ای خاص با هم همکاری می‌کنند. چنین مطالعه یا کار گروهی به‌خصوص در حوزه‌هایی مانند داروسازی، هوانوردی، کشاورزی، مهندسی و سیستم‌های فن‌آوری کاملاً مشهود است و اخیراً به صورت فزاینده‌ای در حوزه‌های دیگر مانند تجارت و ارتباطات نیز به کار گرفته می‌شود (شاقول، ۱۳۸۶: ۲۷).

با توجه به پیشرفت سریع علم و فناوری در سال‌های اخیر، شاخه‌های مختلف علم بیش از پیش از یکدیگر جدا شده‌اند و در نتیجه ارتباط کمتری بین آن‌ها وجود دارد. از طرف دیگر، حل مسائل پیچیده در قلمرو علم و فناوری نیاز به دیدگاه‌های جامع‌تری دارد که نیازمند ارتباط بین دانش‌ها است.

اصطلاح‌شناسی، علمی میان رشته‌ای و فرارشته‌ای است که با مفاهیم و باز نمودهای آن (اصطلاحات، نمادها) سروکار دارد و نمایانگر نظامی از مفاهیم است. اصطلاحات ابزاری برای نظم‌بخشی دانش بر مبنای روابط مفاهیم در هر رشته علمی است. تعداد بی‌شماری از مفاهیم جدید که در تمام حوزه‌های فعالیت بشری مطرح می‌شوند باید با اصطلاحات موجود و یا با اصطلاحات متشکل از ترکیب عناصر واژگانی (ریشه‌ها و وندهای) هر زبان بیان شوند. تعداد عناصر واژگانی چند هزار بیشتر نیست ولی تعداد مفاهیم به میلیون‌ها می‌رسد.

با پیشرفت علم و فن در حوزه‌های گوناگون علمی، اصطلاحات و مفاهیم جدید نیز وارد حوزه‌های علمی و فنی می‌شوند که ممکن است بسیاری از این اصطلاحات در حوزه‌های علمی، مشترک باشند. از آنجاکه همگرایی بین رشته‌های تخصصی دارای اهمیت ویژه‌ای است، جایگاه اصطلاح‌شناسی و واژه‌گزینی در زبان بیش از پیش روشن می‌شود؛ چراکه تعامل بین رشته‌های علمی نیازمند فهم مشترک در دو حوزه علمی متفاوت است و این‌گونه به ایجاد زبان مشترک و برقراری تعامل میان رشته‌ها به آن دست می‌یابیم.

اصول و ضوابط واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی

واژه‌گزینی، بنا بر اساسنامه فرهنگستان زبان و ادب فارسی، از جمله وظایف فرهنگستان است. شورای فرهنگستان به حکم وظیفه‌ای که در امر واژه‌گزینی برعهده دارد، از همان نخستین جلسات این موضوع را در دستور کار خود قرار داد و

1. Cruse, A.
2. Repko, A.

برگزیده شده است. غلامحسین مصاحب کلمه الکترومغناطیسی را به «برق‌طیسی» برگردانده است (فرهنگستان، ۱۳۷۸: ۲۴۸).

۴- وام‌گیری: اخذ یک واژه از زبان‌های بیگانه (معمولاً غربی) با همان مفهومی که زبان مبدأ دارد (همان: ۱۲).

واژه‌هایی که در فرهنگستان زبان و ادب فارسی تصویب می‌شود بر اساس اصول و معیارهای مدون و مشخصی است که مصوب شورای فرهنگستان است:

اصل ۱. در انتخاب معادل فارسی برای واژه‌ها و اصطلاحات بیگانه، واژه فارسی باید حتی‌الامکان به «زبان فارسی معیار امروز» یعنی زبان متداول میان تحصیل‌کردگان و اهل علم و ادب و زبان سخنرانی‌ها و نوشته‌ها نزدیک باشد.

اصل ۲. در واژه‌گزینی باید قواعد دستور زبان فصیح و متداول «زبان فارسی معیار امروز» امروز مراعات شود.

اصل ۳. در واژه‌گزینی باید قواعد آوایی زبان فارسی رعایت شود و از اختیار واژه‌های ناخوش‌آهنگ و دارای تنافر پرهیز شود و واژه فارسی برگزیده، حتی‌الامکان از معادل بیگانه آن کوتاه‌تر باشد.

اصل ۴. در انتخاب معادل، واژه‌هایی که تصریف‌پذیر و اشتقاق‌پذیر باشند و امکان ساخت اسم و صفت و فعل از آن‌ها وجود داشته باشد مرجح‌اند.

اصل ۵. در گزینش معادل‌ها باید سلسله‌مراتبی به ترتیب زیر ملاک قرار گیرد.

۵-۱. واژه‌های فارسی متداول و مأنوس که از دیرباز در زبان فارسی وجود داشته است.

۵-۲. ترکیب‌های نوساخته، بر طبق شیوه‌های واژه‌سازی زبان فارسی با استفاده از واژه‌های فارسی.

۵-۳. واژه‌های عربی مصطلح و متداول و مأنوس در زبان فارسی.

۵-۴. ترکیب‌های نوساخته، بر طبق شیوه‌های واژه‌سازی زبان فارسی، با استفاده از واژه‌های عربی متداول در زبان فارسی.

۵-۵. واژه‌های برگرفته از گونه‌ای زبان فارسی و گویش‌های ایرانی کنونی.

۵-۶. واژه‌های برگرفته از زبان‌های ایرانی میانه و باستان.

اصل ۶. در گزینش معادل، واژه‌ای که معنی آن زودیباب و

لازم دید پیش از انتخاب و تصویب واژه‌های فارسی در برابر لغات بیگانه، «اصول و ضوابطی» وضع کند تا مبنا و راهنمای کار باشد. شورای فرهنگستان در جلسات پنجاه و هشتم (مورخ ۷۳/۷/۱۱) و یک‌صد و پانزدهم (مورخ ۷۶/۴/۲) «اصول و ضوابط واژه‌گزینی» را در قالب ۹ اصل به تصویب رساند (گروه واژه‌گزینی، ۱۳۸۸: ۷).

طبق مصوبه جلسه سیصدوسی و یکم (مورخ ۸۶/۹/۲۶) اصول موضوعه فرهنگستان، اصولی است که فرهنگستان با توجه به وظایفی که در اساسنامه بر عهده‌اش نهاده شده است، پس از بحث و بررسی فراوان آنها را پذیرفته است و اگر نه برای همیشه، برای مدتی طولانی، درستی یا نادرستی آنها را در درون فرهنگستان قابل بحث نمی‌داند. این اصول عبارتند از:

۱- توسعه علمی نیازمند زبان علمی است؛

۲- زبان علم در ایران زبان فارسی است و باید فارسی بماند؛

۳- زبان علمی فارسی برای بقا نیازمند واژه‌گزینی سازمان‌یافته و روشمند است (همان: ۱۱).

شیوه‌های واژه‌گزینی در فرهنگستان زبان و ادب فارسی برای یک مفهوم مشخص، به چهار روش انجام می‌گیرد که عبارتند از:

۱- برگزینش: انتخاب یک واژه یا عبارت، از میان واژه‌ها و عبارت‌های موجود در زبان را برگزینش می‌نامند.

۲- نوگزینش: انتخاب یک واژه در زبان و دادن مفهومی جدید به آن است به گونه‌ای که با مفهوم اولیه بی‌ارتباط نباشد.

۳- ساختن اصطلاح که به سه شیوه انجام می‌شود. (الف) واژه‌سازی: ساختن یک واژه جدید مشتق یا مرکب یا مشتق مرکب. (ب) ساختن گروه نحوی: ساختن یک گروه نحوی با به کار بردن دست‌کم دو واژه صورت می‌گیرد. این واژه‌ها با کسره اضافه با یکی از حروف اضافه به هم پیوند می‌یابند. (ج) اختصارسازی: ساختن اختصار به یکی از روش‌های سرواژه‌سازی یا آمیزه‌سازی (یا نحت) یا اختصار حرف‌به‌حرف انجام می‌شود. نحت در لغت به معنای تراشیدن و در اصطلاح زبان عربی عبارت است از بریدن قسمتی از یک کلمه و وصل آن به یکی دیگر و یا بریدن بخش‌هایی از چند کلمه و وصل باقیمانده آنها به هم، برای تشکیل کلمه‌ای جدید است؛ مانند: Prehistory که معادل «قتاریخ» برای آن

تشخیص واژه از اصطلاح دشوار است. اصطلاح‌سازی بر کارکرد مؤثر نام‌گذاری در حوزه‌های تخصصی مبتنی است. در تحلیل پیکره، تشخیص و استخراج اصطلاح فرایندهایی دشوارند و به‌رغم پژوهش‌های جامعی که در این حوزه انجام شده، تاکنون یک مدل نظری معتبر و الگوریتم‌های متناسب با آن طراحی نشده است. باوجوداین، روش‌ها و ابزارهایی در فناوری‌های زبانی وجود دارند که در تشخیص و استخراج اصطلاح از پیکره‌ها نتایج رضایت‌بخشی به همراه داشته‌اند که از آن‌ها باید در زمان‌های مناسب (آگاهی از محدودیت‌های ذاتی‌شان) استفاده کرد.

تعامل بین زبان‌های تخصصی و عمومی بسیار پویاست و همواره مواد واژگانی به هر دو سو جریان دارند: واژه‌شدگی^۱ و اصطلاح‌شدگی^۲. در واژه‌شدگی، اصطلاحات تخصصی به واژه‌های کاملاً رایج زبان عمومی تبدیل می‌شوند و در اصطلاح‌شدگی واژه‌های معمولی به اصطلاح (یا بخشی از آن) تبدیل می‌شوند. اصول متداول اصطلاح‌سازی: اصول نشانه‌شناختی زیر اساساً در مورد همه زبان‌ها صادق است. این اصول بر ماهیت سامانمند اصطلاحات با شبکه‌های مفهومی زیربنایی آن‌ها از جمله ابعاد شناختی، بازنمایی دانش و غیره مبتنی هستند. مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: شفافیت^۳ (در مقابل تیرگی)؛ انسجام^۴؛ تناسب^۵؛ کوتاهی (اقتصاد زبانی)؛^۶ اشتقاق‌پذیری^۷؛ صحت زبانی^۸؛ ترجیح زبان بومی (مگر در حوزه‌ها یا زبان‌های که سنت‌های دیگری وجود دارد، مانند استفاده از صورت‌های لاتین یا یونانی در برخی رشته‌های علمی). روش‌های اصطلاح‌سازی شامل: ساخت صورت‌های جدید، استفاده از صورت‌های موجود و وام‌گیری بین‌رشته‌ای است. برای ساخت صورت‌های جدید می‌توان از شیوه‌های ترکیب^۹، اشتقاق^{۱۰} و صورت‌های اختصاری^{۱۱} بهره برد. شیوه استفاده از صورت‌های موجود شامل روش‌های تبدیل^{۱۲} (تغییر مقوله دستوری که گاهی به آن مقوله‌گردانی نیز گفته می‌شود)، اصطلاح‌شدگی (تخصیص معانی جدید

روشن باشد بر واژه‌ای که معنی دیرپاب و نا آشکار دارد مرجح است.

اصل ۷. در واژه‌گزینی به‌ویژه در علوم برای هر لفظی که دارای یک معنی خاص باشد ترجیحاً فقط یک واژه برگزیده شود و از تعدد و تنوع واژه‌ها پرهیز شود.

تبصره: برای لفظ بیگانه‌ای که در علوم گوناگون تعاریف مختلف دارد گزینش چند واژه معادل به‌مقتضای سنت و سابقه و عرف اهل علم در هر یک از حوزه‌ها مجاز است.

اصل ۸. یافتن معادل برای آن دسته از واژه‌های بیگانه که جنبه جهانی و بین‌المللی یافته‌اند ضروری نیست؛ مانند: متر، کیلومتر، اکسیژن، آسپرین و غیره.

اصل ۹. در موارد معدودی که گزینش واژه معادل در قالب‌های مرسوم زبان فارسی متداول میسر نباشد و ضرورت استفاده از روش‌های تازه احراز شود بر طبق رأی شورای فرهنگستان عمل خواهد شد.

۹-۱. استفاده از مصدر برساخته (مصدری که از ترکیب اسم یا صفت با پسوند «یدن» ساخته شود. این‌گونه مصدرسازی با کلمات فارسی، عربی و فرنگی امکان‌پذیر است).

۹-۲. استفاده از ادغام واژه‌ها: با کوتاه کردن واژه‌های زبان یعنی حذف قسمتی از ابتدا یا انتهای آن‌ها و در کنار هم قرار دادن دو واژه کوتاه‌شده واژه‌ای نو پدید آورد، مانند توانیر (تولید و انتقال نیرو) (گروه واژه‌گزینی، ۱۳۸۸: ۱۴).

روش‌های اصطلاح‌سازی در برنامه‌ریزی اصطلاحات بر اساس اینفوترم

به دلیل اهمیت اصطلاح‌شناسی در علم و فن، یونسکو با همکاری مؤسسه استاندارد اتریش «مرکز بین‌المللی اطلاعات اصطلاح‌شناسی» موسوم به «اینفوترم» را در سال ۱۹۷۱ تأسیس کرد. کارکرد اصلی اینفوترم هماهنگی فعالیت‌های اصطلاح‌شناختی در سراسر دنیا است. در کتاب اصول و سیاست‌گذاری‌های اینفوترم (۲۰۰۵: ۹) چنین آمده است که اصطلاح ممکن است از واژه‌های ساده یا گروه‌های پیچیده (اصطلاحات چندواژه‌ای) با مشخصه‌های صرفی- نحوی و صرفی- معنایی خاصی ساخته شده باشد که گاهی در زبان عمومی ناشناخته‌اند اما می‌توانند در حوزه‌های تخصصی معینی به کار روند. اصولاً باید بین انواع نام‌گذاری و نه فقط عناصر سازنده اصطلاح تمایز قائل شد. به‌علاوه، همواره

1. De-terminologization
2. Terminologization
3. Transparency
4. Consistency
5. Appropriateness
6. Conciseness (linguistic economy)
7. Derivability
8. Linguistic correctness
9. Compounding
10. Derivation
11. Abbreviated forms
12. Conversion

سوم دفتر اول تا دفتر سیزدهم مشتمل بر ۴۲۸۰۰ واژه، حدود ۴۳۹۰ واژه انتخاب شده‌اند که از نظر نگارنده با چارچوب نظری فرهنگستان زبان و ادب فارسی و اصول و ضوابط واژه‌گزینی فرهنگستان مغایرت داشته است. از این تعداد حدود ۱۲۳۳ واژه دارای ترادف و ارجاعات می‌باشند؛ این واژه‌ها، گاه دارای یک مترادف و گاه دارای چندین مترادف هستند که برای واژه‌های مترادف، واژه پیشنهادی ارائه شده است که حدود ۲۶۰۷ واژه می‌باشند؛ همچنین حدود ۱۰۰ واژه دارای تیرگی معنایی، ۲۳۲ واژه دارای بیش از یک مدخل یا دسترس، ۸ واژه مغایر با اصل دوم فرهنگستان، ۱۳ واژه مغایر با اصل سوم و ۴۱۳ واژه مغایر با اصل پنجم بوده است که در این مقاله نمونه‌هایی از آنها را آورده‌ایم که مشتمل بر ۴۰ واژه است. این واژه‌ها در چارچوب اصول و سیاست‌گذاری‌های اینفوترم و فرهنگستان زبان و ادب فارسی بررسی و واژه پیشنهادی بر طبق اصول و سیاست‌گذاری‌های اینفوترم و فرهنگستان سوم ارائه شده است.

تحلیل داده‌ها

قابلیت فهم متن در دو سطح خرد و کلان قابل بررسی است. از لحاظ سَمی، سختی یک متن (در سطح کلان) وابسته به این مفهوم است که نخست آیا واژگان متن (در سطح خرد) قابل فهم هستند؟ و دوم اینکه آیا این واژگان به گونه‌ای روان و سلیس در کنار هم قرار گرفته‌اند؟ اگر معیار دوم را کنار بگذاریم یکی از معیارهای سختی متن در سختی واژگان آن متن است. سختی واژگان به این معنی است که کلمه مورد نظر برای اهل زبان دارای فهم اندک یا هیچ است. لغات ناآشنا و ثقیل موجود در متن مانع درک متن شده و خواننده را از پیگیری موضوع بازمی‌دارد. در بررسی‌های انجام گرفته واژه‌های مصوبی که از نظر نگارنده دارای معیارهای سختی واژگانی بوده‌اند به همراه نمونه آورده شده است. در این مقاله ساختار خرد متن، یعنی واژگان، بررسی می‌شود.

مغایرت با قواعد صرفی

نمونه‌ای از واژه‌های مصوب که با اصل دوم اصول و واژه‌گزینی فرهنگستان مغایرت داشته‌اند به شرح زیر است.

عدم همنشینی پسوند - گاه با فعل

Guage

بودگاه

این واژه با اصل دوم فرهنگستان مبنی بر درستی قواعد دستوری، مغایرت دارد. معمولاً پسوند «-گاه» به فعل نمی‌پیوندد.

استعاری با تشبیهی به اصطلاحات موجود در حوزه‌های کمابیش مرتبط یا به واژه‌های زبان عمومی، انتقال معنایی^۱ در یک‌زبان تخصصی و وام‌گیری بین‌رشته‌ای (استعاره) هست (همان: ۱۰).

وام‌گیری بین‌رشته‌ای نیز شامل وام‌گیری مستقیم^۲ و ترجمه قرضی^۳ است. امکان استفاده از این روش‌ها را باید برای هر زبانی به‌طور جداگانه ارزیابی کرد. می‌توان از اصول نشانه‌شناختی به‌عنوان راهنمایی در استفاده از روش‌های اصطلاح‌سازی بهره جست. گرچه برخی از این اصول ظاهراً در تضاد با یکدیگرند، اما در نهایت نوعی مصالحه بین آن‌ها شکل می‌گیرد، مانند تقابل بین اصل «شفافیت» و اصل «کوتاهی». از جمله مشکلات دیگری که بر سر راه اصطلاح‌سازی وجود دارد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: اختلاف‌هایی که در مدل‌های ساختاردهنده در زبان عمومی وجود دارد، تنوع و عدم انسجام قواعد در حوزه‌های مختلف (مخصوصاً در حوزه علوم طبیعی که نامگان خاص دارند)، نداشتن توصیف کاملی از برخی زبان‌ها، ضرورت مدون‌سازی کامل این زبان‌ها (مثلاً از طریق برنامه‌ریزی زبان) به‌ویژه در حوزه رسم‌الخط، املاء، تلفظ و دستور به‌منظور تهیه قواعدی معتبر برای توسعه اصطلاحات. برای استفاده از فناوری‌های زبانی باید مدل‌های رایانه‌ای اصطلاح‌ساز در زبان‌های مورد پردازش تهیه کرد (اینفوترم، ۲۰۰۵: ۱۱).

روش‌شناسی تحقیق و یافته‌های پژوهش

این مقاله، از نظر هدف از نوع پژوهش‌های نظری و روش تحقیق این مقاله به‌صورت تحلیل محتوا و به شیوه تجزیه و تحلیل کیفی است. جامعه آماری این پژوهش شامل ۴۲۸۰۰ واژه است که در این مقاله برای نمونه ۴۰ واژه به‌صورت هدفمند از دفتر اول تا سیزدهم (۱۳۹۵-۱۳۷۶) انتخاب و مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. در این پژوهش، نخست با نگاهی تطبیقی، اصول و سیاست‌گذاری‌های واژه‌گزینی فرهنگستان سوم و اینفوترم را بررسی کرده‌ایم. سپس به منظور دستیابی به چگونگی کارکرد این اصول و سیاست‌گذاری‌ها در امر واژه‌گزینی فرهنگستان سوم، به بررسی واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی پرداخته‌ایم.

در این پژوهش، از تعداد کل واژه‌های مصوب فرهنگستان

1. Semantic transfer
2. Direct loan
3. Loan translation

همچنین بر اساس اصول و سیاست‌گذاری‌های اینفوترم و اصل ششم فرهنگستان، واژه باید شفاف و روشن باشد درحالی‌که این واژه تیرگی معنایی دارد. واژه پیشنهادی: جایمان
به کارگیری اشتباه پسوند -فرا با پسوند -فر

Upturn

فراگشت

[اقتصاد] تعریف: بهبود یا حرکت روبه‌رشد در وضعیت اقتصادی یا زندگی افراد.

بنابر اصل سیاست‌گذاری‌های اینفوترم و اصل دوم اصول واژه‌گزینی فرهنگستان، مبنی بر استفاده درست از قواعد زبان فارسی، پیشوند «فرا-» به معنای بالا و بلندی یا دور هست و پیشوند «فر-» معنای بهبودی را می‌رساند. واژه پیشنهادی:
 فرگشت

عدم همنشینی پسوند -ار با اسم

Aqueduct

آباره

[محیط زیست] تعریف: مجرای انسان‌ساخت و معمولاً مرتفع برای انتقال آب، عموماً در مسیرهای طولانی.

این واژه به لحاظ صرفی از ترکیب آب + ار + ه ساخته شده است. «ار» پسوندی است که به بن فعل ماضی می‌چسبد و صفت فاعلی یا اسم مصدر می‌سازد. در حالی‌که در این واژه پسوند «ار-» با اسم ترکیب شده است که مغایر با اصل دوم اصول واژه‌گزینی فرهنگستان است. همچنین بر اساس اصول و سیاست‌گذاری‌های اینفوترم و اصل ششم فرهنگستان، واژه باید شفاف باشد درحالی‌که این واژه تیرگی معنایی دارد.

واژه پیشنهادی: کاریز

عدم همنشینی پسوند -انه با بن مضارع

Fuel injector1

پاشانه

[خودرو] تعریف: دریچه‌ای که با باز شدن آن مقدار مشخصی از سوخت از طریق یک افشانک با فشار به داخل چند راهه هوا یا مستقیماً به داخل سیلندر پاشیده می‌شود. این واژه به لحاظ ساختار واژه‌گزینی از ترکیب [بن مضارع پاش + پسوند -انه] ساخته شده است که مغایر با اصل دوم واژه‌گزینی است، چراکه پسوند «-انه» به اسم می‌پیوندد و از اسم، قید یا صفت می‌سازد. همچنین بر اساس اصول و سیاست‌گذاری‌های اینفوترم و اصل ششم فرهنگستان، واژه باید شفاف و روشن باشد درحالی‌که این واژه تیرگی معنایی دارد. زمانی که صورت‌های موجود هستند، نیازی به ساخت

واژه جدید نیست. واژه پیشنهادی: پاشنده

حشو پسوند -ش

Colligation

بازپیوندش

پسوند «-ش» در اینجا ضرورت ندارد زیرا واژه «بازپیوند» مفهوم را می‌رساند. همچنین بر اساس اصل اینفوترم و اصل ششم واژه‌گزینی فرهنگستان، واژه‌هایی که معنی آن‌ها زودیاب و روشن باشد برتری دارند.
 واژه پیشنهادی: بازپیوند

مغایرت با خوش‌آهنگی و خلاقیت زبانی

نمونه‌ای از واژه‌های مصوب که با اصل سوم اصول و ضوابط واژه‌گزینی فرهنگستان مبنی بر خوش‌آهنگی و خلاقیت، مغایرت داشته است به شرح زیر است.

نامناسب بودن همنشینی دو همخوان یکسان

Acoustic dispersion

پاشش صوت

این واژه به لحاظ ساختار واژه‌گزینی درست است ولی به لحاظ آوایی خوش‌آهنگ نیست و خلاقیت زبانی هم ندارد چراکه وجود دو همخوان «ش» در کنار هم به لحاظ آوایی نامناسب است و تیرگی معنایی را نیز سبب شده است. بنابر اصول و سیاست‌گذاری‌های اینفوترم و اصل ششم واژه‌گزینی فرهنگستان، واژه‌ای که روشن و زودیاب باشد برتری دارد.
 واژه پیشنهادی: پراکندگی صوت

Monogamous

تک‌کام، تک‌همسر

واژه «تک‌کام» اصل سوم واژه‌گزینی را رعایت نکرده است و دارای تنافر آوایی است چراکه دو همخوان /ک/ در کنار هم ناخوش‌آهنگ است و خلاقیت زبانی ندارد. از طرفی دیگر، این برابر نهاد از دیدگاه بسیاری از مردم و متخصصان مناسب نیست چراکه این واژه چندمعنا شده است. واژه «کام» در فرهنگ تخصصی زبان‌شناسی معنای سقف دهان و در زبان روزمره این واژه معنای «آرزو، مراد» را تداعی می‌کند. پیش از این، واژه «کام» در ترکیب با واژه‌های دیگر در دید همگان بار معنای مثبت داشته است ولی پس از تصویب این واژه و ترکیب آن با واژه‌های دیگر، برای بسیاری از برابر‌نهاد‌های مربوط به مسائل زناشویی، این واژه بار معنای منفی و تابو پیدا کرده است. همچنین بر اساس اصول و سیاست‌گذاری‌های اینفوترم و اصل هفتم فرهنگستان، هر واژه باید یک برابر نهاد باید داشته باشد. با استفاده از صورت

فرهنگستان، برتری زبان بومی است. واژه پیشنهادی: دوپیکر
Ground arrangements → syn. land arrangements

تدارکات محلی
از اصول و سیاست‌گذاری‌های اینفوترم برتری زبان بومی است و بنابر اصل پنجم فرهنگستان، واژه‌های فارسی همواره برتر است. واژه پیشنهادی: بارچینی (آرایش) محلی
Hercules

جائی (نجوم)
از اصول و سیاست‌گذاری‌های اینفوترم و اصل پنجم فرهنگستان، برتری زبان بومی است. واژه پیشنهادی: زانوده
Project phase

فاز پروژه
از اصول و سیاست‌گذاری‌های اینفوترم برتری زبان بومی است و بنابر اصل پنجم فرهنگستان، واژه‌های فارسی همواره برتر است. واژه پیشنهادی: گام‌نقشه

Orien:
جبار
از اصول و سیاست‌گذاری‌های اینفوترم و اصل پنجم فرهنگستان، برتری زبان بومی است. واژه پیشنهادی: شکارچی

Stakeholder
ذینفع
از اصول و سیاست‌گذاری‌های اینفوترم برتری زبان بومی است و بنابر اصل پنجم فرهنگستان، واژه‌های فارسی همواره برتر است. واژه پیشنهادی: سودبر

Unequal temperament
اعتدال نامساوی
از اصول و سیاست‌گذاری‌های اینفوترم برتری زبان بومی است و بنابر اصل پنجم فرهنگستان، واژه‌های فارسی همواره برتر است.
واژه پیشنهادی: همواری ناهم‌سنگ

Unequal temperament
اعتدال نامساوی
از اصول و سیاست‌گذاری‌های اینفوترم برتری زبان بومی است و بنابر اصل پنجم فرهنگستان، واژه‌های فارسی همواره برتر است. واژه پیشنهادی: همواری ناهم‌سنگ

مغایرت با شفافیت معنایی
حال به بررسی نمونه‌هایی از واژه‌های مصوب می‌پردازیم که با اصل ششم مبنی بر روشن و زودیاب بودن، مغایرت دارند.

موجود «تک‌همسر» نیازی به ساخت واژه جدید نیست. واژه پیشنهادی: تک‌همسر

مغایرت با برتری زبان بومی
نمونه‌ای از واژه‌های مصوب که با اصل پنجم اصول و ضوابط واژه‌گزینی فرهنگستان مبنی بر برتری زبان بومی مغایرت داشته است به شرح زیر است.

Aldebaran
دبران (نجوم)
از اصول و سیاست‌گذاری‌های اینفوترم و اصل پنجم فرهنگستان، برتری زبان بومی است. واژه پیشنهادی: غول سرخ

Andromeda
امراه المسلسله، مسلسل (نجوم)
از اصول و سیاست‌گذاری‌های اینفوترم و اصل پنجم فرهنگستان، برتری زبان بومی است. واژه پیشنهادی: ستاره‌زن زنجیری

Counterpoint
کنترپوئن، کنترپون
از اصول و سیاست‌گذاری‌های اینفوترم برتری زبان بومی است و بنابر اصل پنجم فرهنگستان، واژه‌های فارسی همواره برتر است. واژه پیشنهادی: نقطه مقابل

Derelict
متروکه
بر اساس اصول و سیاست‌گذاری‌های اینفوترم و اصل پنجم واژه بومی برتری دارد. واژه پیشنهادی: بی‌سرپرست
Donor insemination

تلقیح زامه اهدایی
[علوم سلامت] تعریف: تلقیح مصنوعی
از اصول و سیاست‌گذاری‌های اینفوترم برتری زبان بومی است و بنابر اصل پنجم فرهنگستان، واژه‌های فارسی همواره برتر است. به جای واژه «تلقیح زامه اهدایی» بهتر است واژه «درون‌کاشت بخششی» را جایگزین کنیم.

Expedition:
سفر تجسسی
از اصول و سیاست‌گذاری‌های اینفوترم برتری زبان بومی است و بنابر اصل پنجم فرهنگستان، واژه‌های فارسی همواره برتر است. واژه پیشنهادی: سفر پژوهشی

Gemini
جوزا (نجوم)
از اصول و سیاست‌گذاری‌های اینفوترم و اصل پنجم

از اصول و سیاست‌گذاری‌های اینفوترم برتری زبان بومی است و بنابر اصل پنجم فرهنگستان، واژه‌های فارسی همواره برتر است. همچنین بر اساس اصول و سیاست‌گذاری‌های اینفوترم و اصل ششم فرهنگستان، واژه باید زودیاب و روشن باشد. واژه پیشنهادی: کار ویژه

Landing gear

ارابه فرود، فرودافزار
بر اساس اصول معیارسازی اینفوترم، هر واژه باید یک برابر نهاد داشته باشد و هم‌معناها مورد قبول نیستند.
واژه پیشنهادی: فرودافزار
بنابر اصل ششم فرهنگستان سوم، معنای این واژه زودیاب و روشن است.

Mooring bitt

موت کشتی
شفافیت معنایی یکی از اصول معیارسازی اینفوترم است و همچنین براساس اصل ششم فرهنگستان، واژه‌هایی که معنی آنها زودیاب و روشن باشد بر واژه‌هایی که خیلی دیریاب و ناآشکار هستند برتری دارد. واژه پیشنهادی برای واژه «موت»: تیرچوبیپ

Shamanism

شمن‌گرایی
بر اساس اصول معیارسازی اینفوترم، هر واژه یک برابر نهاد باید داشته باشد؛ همچنین از اصول و سیاست‌گذاری‌های اینفوترم برتری زبان بومی است و بنابر اصل پنجم فرهنگستان، واژه‌های فارسی همواره برتر است و براساس اصل ششم، واژه‌هایی که معنی آنها زودیاب و روشن باشد بر واژه‌هایی که خیلی دیریاب و ناآشکار هستند برتری دارد. واژه پیشنهادی: بت‌گرایی

مغایرت با تک‌معنایی

حال به بررسی واژه‌های مصوبی می‌پردازیم که با اصل هفتم اصول و ضوابط واژه‌گزینی، مغایرت داشته‌اند.

Call

تماس، برخوانی
بر اساس اصول و سیاست‌گذاری‌های اینفوترم، و اصل هفتم فرهنگستان، هر واژه یک برابر نهاد باید داشته باشد. همچنین از اصول و سیاست‌گذاری‌های اینفوترم برتری زبان بومی است و بنابر اصل پنجم فرهنگستان، واژه‌های فارسی همواره برتر است. واژه پیشنهادی: برخوانی

Core 1

مغزه

Calcinations

تکلیس

[شیمی] تعریف: فرایندی که در آن جسمی را در دمای پایین‌تر از دمای ذوب گرم می‌کنند تا تجزیه شیمیایی یا انتقال فاز صورت گیرد.

این برابر نهاد از نظر معنایی کاملاً تیره هست. بر اساس اصول و سیاست‌گذاری‌های اینفوترم و اصل ششم واژه‌گزینی فرهنگستان، واژه باید زودیاب و روشن باشد. واژه پیشنهادی: آهکی شدن

Downtime 1

زمان اکار

[رایانه و فناوری اطلاعات] تعریف: مدت‌زمانی که سامانه به دلایلی از قبیل خطاهای سخت‌افزاری یا انجام امور نگهداری مورد استفاده نیست.

این واژه از نظر معنایی تیره هست و بر اساس اصول و سیاست‌گذاری‌های اینفوترم و اصل ششم واژه‌گزینی فرهنگستان، واژه‌هایی که زودیاب و روشن باشند، برتری دارند. واژه پیشنهادی: زمان درنگ

Immurement → syn. wall burial:

لادبست

[باستان‌شناسی] تعریف: نوعی اعدام که در آن فرد را در لای دیوار بنا قرار می‌دادند تا از گرسنگی و تشنگی بمیرد.
بر اساس اصول و سیاست‌گذاری‌های اینفوترم و اصل هفتم فرهنگستان، هر واژه یک برابر نهاد باید داشته باشد و هم‌معناها مورد قبول نیستند. این برابر نهاد تیرگی معنایی دارد. واژه پیشنهادی برای واژه هم‌معنا:

دیواربست

دیوارسپاری

In vivo

درون‌تنی، درون‌زیوه‌ای، درزیوه
بر اساس اصول معیارسازی اینفوترم، هر واژه یک برابر نهاد باید داشته باشد. واژه پیشنهادی: درون‌تنی
بنابر اصل ششم فرهنگستان معنای این واژه زودیاب و روشن است.

Non- repudiation:

سلب انکار

[مهندسی مخابرات] تعریف: خدماتی برای ارائه شواهدی به فرستنده و گیرنده پیام تا نتوانند ارسال یا دریافت پیام را انکار کند.

هم‌معناها مورد قبول نیستند. واژه پیشنهادی برای واژه هم‌معنا:

Medicinal : درمانی

Session 1

اجلاس

Session 2

نشست

در این بخش، دو برابرنهاد برای یک واژه در نظر گرفته شده است که بر اساس اصول و سیاست‌گذاری‌های اینفوترم، هر واژه یک برابرنهاد باید داشته باشد همچنین از اصول و سیاست‌گذاری‌های اینفوترم برتری زبان بومی است و بنابر اصل پنجم فرهنگستان، واژه‌های فارسی همواره برتر است.

واژه پیشنهادی: «نشست» که هر دو دسترس را پوشش می‌دهد.

Slipway → syn. slip, building berth, building slip, stocks:

سرسره

[حمل‌ونقل دریایی] تعریف: سطح شیب‌داری که شیب آن به سمت آب است و از آن برای به‌آب‌اندازی شناور یا از آب کشیدن آن برای تعمیر استفاده می‌کنند.

بر اساس اصول و سیاست‌گذاری‌های اینفوترم و اصل هفتم فرهنگستان، هر واژه یک برابرنهاد باید داشته باشد و هم‌معناها موردقبول نیستند.

واژه پیشنهادی برای واژه هم‌معنا:

Building berth: سُرگاه

Building slip: سُرینا

Stocks: شیب‌گاه

Ultimatume

اتمام‌حجت، زنهاره

بر اساس اصول و سیاست‌گذاری‌های اینفوترم یک برابرنهاد برای هر واژه باید انتخاب گردد. همچنین از اصول و سیاست‌گذاری‌های اینفوترم برتری زبان بومی است و بنا بر اصل پنجم فرهنگستان، واژه‌های فارسی همواره برتر است. واژه پیشنهادی: سخن آخر

عدم استفاده از صورت‌های موجود

نمونه‌های از واژه‌های مصوب که صورت‌های موجود دارند و دیگر نیازی به ساخت واژه جدید نیست:

Core 2

هسته

در این بخش، دو دسترس به عبارتی دو برابرنهاد برای یک واژه در نظر گرفته شده است که بر اساس اصول و سیاست‌گذاری‌های اینفوترم و اصل هفتم فرهنگستان، یک برابرنهاد برای هر واژه باید انتخاب گردد. واژه پیشنهادی: «هسته» هر دو دسترس را پوشش می‌دهد.

Gradation → ablaut, apophony

واکه‌گشت

[زبان‌شناسی] تعریف: تغییرات واکه‌ای در ستاک با انگیزش ساختواری.

بر اساس اصول و سیاست‌گذاری‌های اینفوترم و اصل هفتم فرهنگستان، هر واژه یک برابرنهاد باید داشته باشد و هم‌معناها موردقبول نیستند.

واژه پیشنهادی برای واژه هم‌معنا:

Ablaut: واکه‌گشت

Gradation: دگرگونی واکه‌ای

Apophony: تناوب واکه

initialism → alphabetism, acrophone

سرواژه‌سازی

بر اساس اصول و سیاست‌گذاری‌های اینفوترم و اصل هفتم فرهنگستان، هر واژه باید یک برابرنهاد داشته باشد و هم‌معناها موردقبول نیستند.

واژه پیشنهادی برای واژه هم‌معنا:

Initialism: آغازسازی

Alphabetism: الفبائویی

Acrophone: سرآوا

Migration 1: کوچ

Migration 2: مهاجرت

در این بخش، دو دسترس یا به عبارتی دو برابرنهاد برای یک واژه در نظر گرفته شده است که بر اساس اصول و سیاست‌گذاری‌های اینفوترم و اصل هفتم فرهنگستان، یک برابرنهاد برای هر واژه باید انتخاب گردد. همچنین از اصول و سیاست‌گذاری‌های اینفوترم برتری زبان بومی است و بنا بر اصل پنجم فرهنگستان، واژه‌های فارسی همواره برتر است. واژه پیشنهادی: «کوچ» هر دو دسترس را پوشش می‌دهد.

Pharmaceutical → syn. medicinal

دارویی

بر اساس اصول و سیاست‌گذاری‌های اینفوترم و اصل هفتم فرهنگستان، هر واژه یک برابرنهاد باید داشته باشد و

بر اساس اینفوترم می‌توان از صورت‌های موجود استفاده کرد بنابراین لازم به ساخت واژه جدید نیست. واژه پیشنهادی: رده‌بندی یا رده‌آرایی

بحث و نتیجه‌گیری

واژگان در سطح خرد یکی از عوامل ایجاد سختی یا آسانی متن در سطح کلان است و این دو سطح در تعامل با یکدیگرند. لغات ناآشنا و ثقیل موجود در متن مانع درک متن شده و خواننده را از پیگیری موضوع بازمی‌دارد. شورای فرهنگستان به حکم وظیفه‌ای که در امر واژه‌گزینی برعهده دارد، از همان نخستین جلسات این موضوع را در دستور کار خود قرار داد و لازم دید پیش از انتخاب و تصویب واژه‌های فارسی در برابر لغات بیگانه، «اصول و ضوابطی» وضع کند تا مبنای راهنمای کار باشد. اصول و ضوابط واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی با اصول و سیاست‌گذاری‌های اینفوترم همگام است. این اصول شامل شفافیت، انسجام، تناسب، اشتقاق‌پذیری، کوتاهی (اقتصاد زبانی)، صحت زبانی و ترجیح زبان بومی است. سمائی (۱۳۸۲: ۱۰۴) معتقد است که گرایش واژه‌گزینی فرهنگستان تا حدی با مکتب واژه‌گزینی وین همپوشی دارد، چراکه اصول چهارم و ششم فرهنگستان زبان و ادب فارسی، اصل چهارم مبنی بر اشتقاق‌پذیری معادل و اصل ششم مبنی بر زودیاب و روشن بودن معادل، با اصل دوم و سوم مکتب وین، اصل دوم مبنی بر دقیق بودن مفاهیم و اصل سوم مبنی بر سنتی بودن معادل، همپوشی دارد و اصل چهارم مکتب وین مبنی بر تک‌نامی تا حدودی ناظر بر اصل هفتم اصول و ضوابط واژه‌گزینی مبنی بر تک‌معنایی است. در فرهنگستان واژه‌گزینی در سطح هم‌زمانی مطرح است که با اصل پنجم مکتب وین هم‌راستا است.

به‌طور کلی، اصول و ضوابط واژه‌گزینی فرهنگستان سوم، صورت بومی‌شده اصطلاح‌شناسی سنتی و اصول و سیاست‌گذاری‌های اینفوترم و منطبق با نیازهای زبانی کشور بوده است؛ هرچند که این اصول با برخی تبصره‌ها تنافر دارند، چراکه اصل هفتم مبنی بر برگزیدن تنها یک واژه و جلوگیری از تعدد و تنوع واژه‌ها هست و در تبصره، گزینش چند واژه در علوم مجاز است. این دو با هم تنافر دارند و نیاز به رفع ابهام دارد. این تبصره، راه را برای چندمعنایی و مترادف باز کرده است، همچنان که در بسیاری از واژه‌های مصوب چندمعنایی به‌وفور دیده‌شده است. اصل پنجم مبنی بر انتخاب واژه‌های عربی

Ablation 1: برسایش

Ablation 2: یخ‌کاست

در این بخش، یک واژه، دو برابر نهاد دارد و بر اساس اصول و سیاست‌گذاری‌های اینفوترم و اصل هفتم فرهنگستان، هر واژه یک برابر نهاد باید داشته باشد. واژه پیشنهادی: «فرسایش» هر دو دسترس را پوشش می‌دهد و بر اساس اصول و سیاست‌گذاری‌های اینفوترم و فرهنگستان، بهتر است، از صورت‌های موجود استفاده کنیم.

Attenuation

کاهش

[ژن‌شناسی] تعریف: تنظیم بیان ژن‌های سازنده آمینواسیدها وقتی که این اسید به مقدار لازم در محیط وجود داشته باشد.

بر اساس اصول و سیاست‌گذاری‌های اینفوترم و اصل ششم فرهنگستان، واژه باید روشن و زودیاب باشد. این واژه تیرگی معنایی دارد. همچنین بر اساس اصول و سیاست‌گذاری‌های اینفوترم و فرهنگستان، بهتر است که از صورت‌های موجود استفاده کنیم.

واژه پیشنهادی: میرایی یا کاهش

Intuition

شهود

از اصول و سیاست‌گذاری‌های اینفوترم برتری زبان بومی است و بنابر اصل پنجم فرهنگستان، واژه‌های فارسی همواره و برتر است. استفاده از صورت‌های موجود نیاز ما را در ساختن این برابر نهاد برآورده می‌سازد. واژه پیشنهادی: بینش

تراکم انتظار Stack 2, in trail:

[حمل‌ونقل هوایی] تعریف: وضعیت مجموعه‌ای از هواگردها از نظر تراکم که هر یک در ارتفاع معینی از ایستگاه در نوبت قرار دارند.

این واژه کاملاً عربی است. یکی از اصول و سیاست‌گذاری‌های اینفوترم برتری زبان بومی است و بنابر اصل پنجم فرهنگستان، واژه‌های فارسی همواره برتر است. واژه پیشنهادی: انبوه دنباله

واژه‌های «انبوه» و «دنباله» در زبان روزمره به‌وفور استفاده شده است. استفاده از صورت‌های موجود نیاز ما را در ساختن این برابر نهاد برآورده می‌سازد.

Taxon

آرایه

[زیست‌شناسی] تعریف: هر یک از سطوح نام‌گذاری شده در رده‌بندی موجودات.

شفاف‌سازی و درک معنا شود. یکی از شروطی که می‌توانیم بگوییم دو واژه دارای معنای یکسان هستند و باهم رابطهٔ مترادف دارند شرط «هم‌زبانی» است. بدین معنا که دو واژه در صورتی مترادف هستند که هر دو از یک زبان باشند و دو واژه در صورتی هم‌معنی هستند که دارای یک مفهوم باشند. از آنجا که هم‌معنایی مطلق بین واژگان در یک زبان و بین واژگان دو زبان مختلف وجود ندارد و همه مترادف‌ها نمی‌توانند به لحاظ معنایی هم‌پوشانی کامل داشته باشند و اینکه مترادف‌های فارسی کاملاً متفاوت از مترادف‌های زبان انگلیسی هستند، بنابراین لازم است فرهنگستان زبان و ادب فارسی، معادل و معنای شفاف‌ی برای این واژگان مصوب کند.

حدود ۹۵۰ واژه (۲ درصد) از کل واژه‌های مصوب، به بیش از یک مدخل واژگانی با معادل‌های متفاوت اشاره داشته است که بعضی از مدخل‌ها مربوط به تنها یک رشتهٔ علمی و بعضی از آنها مربوط به چندین رشته علمی است و حدود ۱۹۰۷ واژه (۴ درصد) از کل واژه‌های مصوب چندمعنا بوده‌اند؛ یعنی یک واژهٔ انگلیسی بیش از یک معادل فارسی داشته است.

ملاک معادل‌ها در زبان فارسی در فرهنگ‌ها، خود مدخل است. وقتی یک واحد واژگانی چندین مدخل دارد، نشان‌دهندهٔ این است که در چندین حوزه به کار رفته است. تعامل، تبادل و ارتباط افقی دانش‌ها، مهارت‌ها و رشته‌های علمی مختلف با یکدیگر موجب آسانی درک و فهم موضوعات از جنبه‌ها و ابعاد مختلف می‌شود ولی با توجه به پیشرفت سریع علم و فناوری در سال‌های اخیر، شاخه‌های مختلف علم بیش از پیش از یکدیگر جدا شده‌اند و در نتیجه ارتباط کمتری بین آن‌ها وجود دارد. از طرف دیگر حل مسائل پیچیده در قلمرو علم و فناوری، نیاز به دیدگاه‌های جامع‌تری دارد که نیازمند ارتباط بین دانش‌ها است و تعامل بین رشته‌های علمی نیازمند فهم مشترک در دو حوزهٔ علمی متفاوت است. اینجاست که ضرورت یکدستی اصطلاحات علمی برای ایجاد زبان مشترک و برقراری ارتباط میان رشته‌ها نمود پیدا می‌کند. فرهنگستان زبان و ادب فارسی به‌عنوان نهاد برنامه‌ریزی می‌تواند برای واژه‌های دارای چندین مدخل در حوزه‌های مختلف علمی تنها یک معادل مصوب کند.

بررسی‌ها نشان می‌دهند که تنها حدود ۶۷۰۰ واژه (با حذف مشترکات) از راه‌های اصلی واژه‌سازی ساخته شده‌اند و بقیه گرده‌برداری یا ترجمهٔ قرضی هستند که با توجه به تعداد

مصطلح و متداول و مأنوس در زبان فارسی است که راه را برای قرض‌گیری واژه‌های عربی در زبان فارسی باز گذاشته است؛ به‌طوری‌که در واژه‌های مصوب فرهنگستان سوم، بسیاری از واژه‌ها عربی هستند که به نظر نگارنده فقط زمانی باید از این اصل استفاده کرد که ناچار به استفاده از واژه‌های عربی هستیم؛ زمانی که صورت‌های بومی، موجود هستند که بومی زبانان از آن آگاهند نیازی به استفاده از ترکیب‌های نوساخته و قرض‌گیری از زبان عربی نداریم. هرچند واژه‌ها عناصر منفرد هستند و ورود آن‌ها ظاهراً به نظام زبان آسیبی نمی‌رساند؛ با این‌همه، ورود بیش‌ازاندازه واژگان بیگانه، زبان را دچار نابسامانی می‌کند و زبایی زبان را از بین می‌برد.

در ارتباط با اصول واژه‌شناسی هیچ صورت نوشتاری یا مدون شده وجود ندارد، تنها چند استاندارد بین‌المللی در این زمینه، در دستور کار گروه واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی قرار داشته است. علیرغم تلاش درخور تقدیر گروه واژه‌گزینی، در میان واژه‌های مصوب فرهنگستان سوم، واژه‌هایی را می‌توان یافت که از اصول واژه‌گزینی تخطی کرده‌اند. از یافته‌های تحقیق چنین برمی‌آید که گرچه در تهیه و گردآوری این دفاتر تلاش فراوان و درخور تقدیری صورت گرفته است، ولی کاستی‌هایی هم دیده می‌شود که به مواردی از آن اشاره می‌شود.

بر اساس یافته‌های پژوهش، از تعداد کل واژه‌های مصوب مشتمل بر ۴۲۸۰۰ واژه، دفتر اول تا سیزدهم، حدود ۴۳۹۰ واژه از نظر نگارنده با چارچوب نظری فرهنگستان زبان و ادب فارسی و اصول و ضوابط واژه‌گزینی فرهنگستان مغایرت داشته است. از این تعداد حدود ۱۲۳۳ واژه دارای مترادف و ارجاعات می‌باشند؛ این واژه‌ها، گاه دارای یک مترادف و گاه دارای چندین مترادف هستند. همچنین حدود ۱۰۰ واژه دارای تیرگی معنای، ۲۳۲ واژه دارای بیش از یک مدخل یا دسترس، ۷ واژه مغایر با اصل دوم فرهنگستان، ۱۳ واژه مغایر با اصل سوم و ۴۱۳ واژه مغایر با اصل پنجم بوده است. بررسی‌های انجام‌شده، نشان می‌دهد که مترادف در واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی به‌وفور دیده می‌شود به‌طوری‌که از تعداد کل واژه‌های مصوب فرهنگستان که حدود ۴۲۸۰۰ واژه است، حدود ۷۶۹۵ مورد (۱۸ درصد) به یکدیگر ارجاع داده شده‌اند، به عبارت دیگر یک معادل فارسی برای چندین واژهٔ انگلیسی مصوب شده است.

در فرهنگ‌های تخصصی توصیفی، برای یک مدخل واژگانی مترادف‌هایی در نظر گرفته می‌شود که موجب

نوآوری زبان، نحت، کنارچینی. حق‌شناس (۱۳۷۹: ۲۸) بر این باور است که تنها دو سازگار ترکیب نحوی و واژه‌سازی در چارچوب صرف اشتقاقی است که می‌توانند به طرزی فزاینده و به‌طور دائم واژه نو در اختیار ما بگذارند.

بر اساس یافته‌های این پژوهش، شمار پسوندها و شبه‌پسوندها ۱۰۴ مورد و شمار پیشوندها و شبه‌پیشوندها ۲۸ مورد است. یافته‌ها نشان می‌دهد که فرهنگستان سوم از قیاس و نوآوری در واژه‌سازی فرهنگستان زبان و ادب فارسی بهره نبرده است و به غناسازی و ندها نپرداخته است که باید به این مهم پرداخته شود؛ چراکه غنای زبان فارسی در گرو استفاده از این امکانات بالقوه و بالفعل واژه‌سازی می‌باشد. صادقی (۱۳۷۸: ۲۴۲) نیز معتقد است علاوه بر شیوه‌های سنتی ترکیب و اشتقاق باید به شیوه‌های خارج از واژه‌سازی سنتی نیز مانند سرواژه‌سازی، نحت، کنارچینی و ترخیم پرداخته شود. هرچند که تلاش درخور تقدیر فرهنگستان زبان ادب فارسی نباید نادیده گرفته شود با این حال، اصلاح چندمعنایی، ترادف و مداخل واژگانی و تدوین اصول اصطلاح‌شناسی و معیارسازی، بهتر است در دستور کار برنامه‌ریزی فرهنگستان سوم قرار گیرد.

کل واژه‌های مصوب فرهنگستان، ۴۲۸۰۰ واژه، این مقدار رقم بالایی است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که یکی از اصلی‌ترین فرایندهای واژه‌سازی در زبان فارسی، مضاعف‌سازی یا تکرار، تنها حدود ۴۸ مورد بوده است (با حذف مشترکات) و از ۴۲۸۰۰ واژه مصوب با حذف مشترکات، حدود ۱۸۵ سرواژه، حدود ۵ واژه ادغام و حدود ۲۶۶۳ مورد واژه‌های قرضی است. آنچه مسلم است فرهنگستان از تمام امکانات بالقوه و بالفعل واژه‌سازی در زبان فارسی استفاده نکرده است. توان‌های بالقوه در ساخت واژه زبان فارسی عبارتند از: (الف) عناصر واژگانی؛ طباطبایی (۱۳۸۸: ۱۵۹) شمار واژگان بسیط را حدود ۱۴۶۰۰ واژه و فعل‌های بسیط را بیش از ۴۸۰ مورد شمارش کرده است؛ (ب) فرایندهای واژه‌سازی؛ اوج هنر زبان فارسی در واژه‌سازی، قدرت این زبان در ساختن واژه‌های مرکب است. فرایندهای بالفعل زبان فارسی عبارتند از: (الف) فرایندهای پربسامد واژه‌سازی اشتقاق، ترکیب، ترکیب- اشتقاق و تکرار. (ب) فرایندهای فرعی واژه‌سازی که زبایی کمتری دارند که شامل: بدیع، تبدیل (صفر)، اختصارسازی، کوتاه‌سازی، ترخیم، پسین‌سازی، سرواژه‌سازی، ادغام، گسترش استعاری، وام‌گیری، قیاس،

منابع

تاجیک، پونه (۱۳۸۸). بررسی فراوانی واژه‌های مصوب فرهنگستان در حوزه زیست‌شناسی دوره پیش‌دانشگاهی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

جمالی، مریم (۱۳۹۰). بررسی میزان مقبولیت واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی در حوزه علوم پزشکی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه اصفهان.

حسینی بهشتی، ملوک‌السادات (۱۳۸۲). کاربرد اصطلاح‌شناسی و واژه‌گزینی در نمایه‌سازی ماشینی و بازیابی اطلاعات. پژوهشنامه پردازش و اطلاعات. دوره ۱۸، شماره ۱ و ۲، صص ۴۴-۳۱.

حق‌شناس، محمدعلی (۱۳۷۹). واژه‌سازی درون‌متنی علاج قطعی. نشر دانش، شماره ۱، صص ۳۱-۲۷.

داوری اردکانی، نگار (۱۳۸۲). مجموعه مقالات دومین هم‌اندیشی واژه‌گزینی و اصطلاح‌شناسی. به کوشش علی کافی. تهران: نشر آثار.

درخشان، شیرین (۱۳۹۲). بررسی و ارزیابی فعالیت‌های واژه‌گزینی فرهنگستان سوم زبان و ادب فارسی از نظر

انتقایی، فرهاد (۱۳۹۰). ضریب نفوذ واژه‌های عمومی فرهنگستان در روزنامه‌های رسمی و وبلاگ‌های شخصی. رویکردی پیکره‌ای- محاسباتی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.

افراشی، آریتا (۱۳۷۸). نگاهی به هم‌معنایی مطلق در سطح واژگان. نامه فرهنگستان. شماره ۳۴، صص ۱۷۱-۱۶۶.

ایزو ۱۰۸۷ (۱۹۹۷). واژه‌شناسی- واژگان. ترجمه: ملیحه تفسیری، ۱۳۷۶. تهران: انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

ایزو ۷۰۴۰۱ (۲۰۰۳). اصول و روش‌های اصطلاح‌شناسی. ترجمه: جمیله حسن‌زاده، ۱۳۸۲. تهران: انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

باقرالهاشمی، زهرا (۱۳۹۰). بررسی معناشناختی واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی در حوزه حمل‌ونقل درون‌شهری از دیدگاه فلیبر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهرا.

پالمر، فرانک. ر. (۱۳۷۶). نگاهی به معنی‌شناسی. ترجمه کورش صفوی. تهران: کتاب ماه.

بخشی از دانشگاهیان دانشگاه شیراز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شیراز.

رپکو، آلن. (۲۰۱۲). پژوهش میان‌رشته‌ای: نظریه و فرآیند. ترجمه محسن علوی‌پور و دیگران، ۱۳۹۴. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

سمائی، فرشید (۱۳۸۲). مکاتب اصطلاح‌شناسی و گرایش‌های فرهنگستان سوم. مجموعه مقالات دومین هم‌اندیشی واژه‌گزینی و اصطلاح‌شناسی. به کوشش علی کافی. تهران: نشر آثار.

سمائی، مهدی (۱۳۸۹). سرواژه‌سازی در زبان فارسی و سرواژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی. نامه فرهنگستان، شماره ۱۲، صص ۱۳۳-۱۲۸.

شاقول، یوسف و عموزاده، محمد (۱۳۸۶). میان‌رشته‌ای‌ها: تعاریف و ضرورت‌ها. رهیافت، شماره ۴۰، صص ۳۴-۲۵. شاملو، احمد (۱۳۸۵). نام‌ها و نشانه‌ها در دستور زبان فارسی. تهران: نشر مروارید.

شرفی، سیما (۱۳۹۵). بررسی میزان کاربرد اصطلاح‌های تخصصی حوزه روان‌شناسی مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی در متون نوشتاری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهراء.

صادقی، علی‌اشرف (۱۳۷۸). راه‌های فعال کردن واژه‌سازی در زبان فارسی. مجموعه مقالات نخستین هم‌اندیشی واژه‌گزینی و اصطلاح‌شناسی. به کوشش علی کافی. تهران: نشر آثار.

صفوی، کورش (۱۳۸۷). نوشته‌های پراکنده، دفتر اول: معنی‌شناسی. تهران: نشر علمی.

طباطبایی، علاء‌الدین (۱۳۸۸). ساختمان واژه و مقوله دستوری. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

فرهنگستان زبان و ادب فارسی (۱۳۷۸). مجموعه مقالات نخستین هم‌اندیشی مسائل واژه‌گزینی، تهران: مرکز نشر انتشارات.

_____ (۱۳۸۷). فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان ۱۳۷۶-۱۳۸۵. تهران: نشر آثار.

_____ (۱۳۸۷). فرهنگ واژه‌های

مصوب فرهنگستان، دفتر پنجم. تهران: نشر آثار.

_____ (۱۳۸۸). فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان، دفتر ششم. تهران: نشر آثار.

_____ (۱۳۸۹). فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان، دفتر هفتم. تهران: نشر آثار.

_____ (۱۳۹۰). فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان، دفتر هشتم. تهران: نشر آثار.

_____ (۱۳۹۱). فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان، دفتر نهم. تهران: نشر آثار.

_____ (۱۳۹۲). فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان، دفتر دهم. تهران: نشر آثار.

_____ (۱۳۹۳). فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان، دفتر یازدهم. تهران: نشر آثار.

_____ (۱۳۹۴). فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان، دفتر دوازدهم. تهران: نشر آثار.

_____ (۱۳۹۵). فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان، دفتر سیزدهم. تهران: نشر آثار.

کشاوری، پریسا (۱۳۸۸). بررسی میزان کاربرد واژه‌های سیاسی مصوب فرهنگستان زبان در بخش سیاسی مطبوعات، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.

گالینسکی، کریستین (۱۹۹۹). حرکتی به سوی دقت و صراحت. ترجمه علی مصریان، ۱۳۷۷. تهران: انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

گروه واژه‌گزینی (۱۳۸۸). اصول و ضوابط واژه‌گزینی همراه با شرح و توضیحات. تهران: انتشارات فرهنگستان.

مجد، امید (۱۳۸۷). نقد چهل لغت ترجمه‌شده فرهنگستان زبان فارسی. پژوهش زبان و ادب فارسی، شماره ۱۳، صص ۱۰۶-۸۷.

مدرسی، یحیی (۱۳۸۷). درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان. چاپ دوم. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

مهاجرزاده، غزال (۱۳۸۸). نقد واژه‌های مصوب فرهنگستان (دفتر پنجم). کتاب ماه و ادبیات. شماره ۲۹، صص ۷۴-۶۵.

Carrol, T. (2001). *Language planning and language change in Japan Richmond and Surrey*: Curzon Press.

Coulmas, F. (1989). *Language adaption*. Cambridge University Press.

Cooper, R. L. (1989). *Language Planning and Social Change*. Cambridge

University Press.

Cruse, A. (2004). *Meaning in Language*. 2nd Edition. Oxford: Oxford University press.

Felber, H. (1984). *Terminology manual*. Paris: UNESCO

Galinski, C. (1999). "The role of terminology

- infrastructures in the multimedia age". In Sandrini, p. (ed.) *Terminology and Knowledge Engineering*. 793-807. Vienna: TemNet.
- Goyvaerts, D.L. (1975). *Present day historical & comparative linguistics: an introduction guide to theory and method*, story scientica.
- Infoterm (2005). *Guidences for Terminology: Formulating and implementing terminology policy in language communities*. Paris: UNESCO.
- Lyons, J. (1995). *Introduction to Theoretical Linguistics*, Vol I, Cambridge University Press.
- Temmerman, R. (2000). *Toward New Ways of Terminology Description*. Amsterdam: John Benjamins